

Research Article

***Jurisprudential and legal examples of violations of the right to security of
children and adolescents***

Ahmad Babaei^۱, Babak Pourghahraman^۲, Fatemeh Ahadi^۳

Received: ۲۰۲۲/۱۰/۰۸ Accepted: ۲۰۲۲/۱۱/۲۷

Abstract

Technological advancement and stepping into the digital age and cyberspace have led to the emergence of new rights for individuals. One of the new issues is the right to security of children and adolescents in cyberspace; where children - as one of the most vulnerable segments of society - are exposed to various types of victimization due to violations of their rights. In this regard, protecting the right to security of children and adolescents and enacting protective laws due to their being in an unequal position is essential. Publishing children's images causes numerous harms to children due to their permanence in cyberspace. Invasion of privacy, affecting their right to determine their destiny, sexual abuse of images, violation of the right to mental health, and psychological and spiritual harm are among the adverse effects of not respecting the right to security of children, all of which are against their interests. The present study seeks to provide legal solutions by examining jurisprudential and legal examples of violations of the right to security of children and adolescents and using a descriptive-analytical method and a comparative approach. The findings indicate that systematizing cyberspace, along with close government supervision, requires enforcement guarantees in the event of violations; something that is clearly lacking in Iran's domestic legal system.

Keywords: *Violation of the right to security of children and adolescents, prevention, strong enforcement guarantees, jurisprudential and legal examples.*

^۱ - PhD student, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

^۲ - Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Ira. (corresponding author)

^۳ - Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

مقاله پژوهشی

مصادیق فقهی و حقوقی نقض حق امنیت کودکان و نوجوانان

احمد بابائی^۱، بابک پورقهرمانی^۲، فاطمه احدی^۳

چکیده

پیشرفت فناوری و قدم گذاشتن در عصر دیجیتال و فضای مجازی موجب پیدایش حقوق نوینی برای اشخاص شده است. یکی از مسائل جدید، حق امنیت کودکان و نوجوانان در فضای مجازی است؛ که کودکان در آن — به‌عنوان یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه — به‌واسطه نقض حقوقشان در معرض انواع بزه‌دیدگی‌ها قرار می‌گیرند. در این راستا حمایت از حق امنیت کودکان و نوجوانان و وضع قوانین حمایتی به دلیل قرار گرفتن در یک موقعیت نابرابر، امری ضروری است. انتشار تصاویر کودکان به دلیل ماندگاری در فضای مجازی موجب آسیب‌های متعددی بر کودکان می‌شود. تعرض به حریم خصوصی، تحت تأثیر قرار دادن حق تعیین سرنوشت ایشان، سوءاستفاده جنسی از تصاویر، نقض حق سلامت روان و آسیب‌های روحی و روانی از جمله اثرات سوء عدم مراعات حق امنیت کودکان است، که همگی برخلاف مصلحت اوست. پژوهش حاضر درصدد است که با بررسی مصادیق فقهی و حقوقی نقض حق امنیت کودکان و نوجوانان و با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و رویکردی تطبیقی به ارائه راهکارهایی قانونی بپردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که نظام‌مند ساختن فضای مجازی در کنار نظارت دقیق دولت‌ها نیازمند ضمانت‌اجراهایی در زمان نقض هست؛ امری که جای خالی آن در نظام قانونی داخلی ایران به‌وضوح قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی: نقض حق امنیت کودکان و نوجوانان، پیشگیری، ضمانت اجرای قوی، مصادیق فقهی و حقوقی

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

^۲ - دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران. (نویسنده مسئول) b.pourghahramani@yahoo.com

^۳ - دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

معضل خشونت علیه کودکان و نوجوانان پدیده‌ای است که جوامع بشری همواره با آن روبه‌رو هستند، به طوری که کودکان در طول تاریخ زندگی بشر همیشه به شکلی مورد خشونت قرار گرفته‌اند، خشونتی که بخش عمده آن از سوی والدین و نزدیکان درجه یک مانند خواهر و برادر صورت گرفته است. این مسئله به صورت یکی از حادثترین مسائل اجتماعی درآمده است که بسیاری از کودکان و نوجوانان را تهدید می‌کند. با وجود اهتمام دولت و مردم بر کاهش خشونت علیه کودکان و نوجوانان، متأسفانه هنوز هم خبرهای ناگواری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان به گوش می‌رسد، آمارهای منتشر شده از افزایش خشونت علیه کودکان و نوجوانان در ایران خبر می‌دهد. آن گونه که مشخص است با یک نگاه واقع بینانه می‌توان دریافت که خشونت علیه کودکان و نوجوان در حال گسترش است. رسوخ اشکال نوین بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان که سازندگان فردای اجتماع‌اند می‌تواند پیامدهای سنگین و بعضاً غیرقابل جبرانی را برای آنان و حتی سایر افراد جامعه داشته باشد. رفتارهای خشونت آمیز با کودکان، از آنان شخصیتی ضداجتماعی و هنجارشکن خواهد ساخت، به گونه‌ای که احتمال بزه دیدگی مضاعف یا بزهکاری را به دنبال خواهد داشت، بنابراین باید از طریق واکنش مناسب و مؤثر نسبت به بزهکار سعی در کاهش میزان خشونت داشته باشیم. در واقع یکی از سنجیده‌ترین روش‌های مهار خشونت، اتخاذ مدل مطلوب در برخورد با بزهکار است؛ بنابراین ما در این پژوهش در پی آن هستیم که ببینیم بر بزهکاری که به کودک خشونت وارد کرده کدام مدل را اعمال کنیم تا در آینده شاهد مقابله با خشونت علیه کودکان و نوجوانان باشیم. کودکان و نوجوانان به عنوان یکی از هسته‌های اصلی اجتماع که آینده یک جامعه نیز به آنها بستگی دارد، لازم است در بستری از امنیت و آسایش و به دور از هرگونه خشونت پرورش یابند. حراست از امنیت، آسایش و آرامش معقول برای کودکان از طریق مهار خشونت علیه آنها امید را در شریان‌های حیاتی هر جامعه به جریان خواهد انداخت و قدرت شکوفایی آن جامعه را نیز افزایش خواهد داد چراکه سلامت روان و جسم آنان، ضامن تعالی کشور است و همچنین امنیت روانی کودکان، امید به زندگی و آزادی اندیشه توأم با روشنفکری و روشنگری را به عموم مردم هر جامعه اعطا خواهد نمود. این امر ضرورت جهت‌گیری اقدامات برای تعیین مدل مطلوب مقابله با خشونت علیه کودکان و نوجوانان را مضاعف می‌کند. از این رو، مقابله با خشونت علیه کودکان و نوجوانان، به عنوان نخستین مصداق حمایت در زمینه کاهش خشونت و همچنین جلوگیری از تکرار خشونت بر این گروه از افراد جامعه که چنین تجربه تلخی دارند، ضروری است. در بیان اهمیت موضوع مطروحه، لازم است که بدانیم رشد و توسعه جامعه در گرو امنیت و آسایش حاکم بر آن جامعه است. در صورتی که در جامعه خشونت علیه کودکان وجود داشته باشد، می‌تواند امنیت را به مخاطره بیندازد که این امر اهمیت انجام پژوهش‌های کامل و جامع را می‌طلبد تا در جهت کنترل معضلات ناشی از این پدیده مذموم مؤثر واقع گردد. از مشکلات پیش روی مقابله با خشونت به خصوص خشونت‌های خانگی، عدم گزارش و پنهانی بودن اغلب آنهاست، این مشکل در مورد خشونت‌هایی از قبیل سوءاستفاده‌های جنسی به دلیل ترس از آبروریزی و از بین رفتن حیثیت خانوادگی بیشتر وجود دارد.

۲- انواع خشونت علیه کودکان و نوجوانان

کودکان و نوجوانان گروهی آسیب پذیر از جامعه‌اند که به دلیل وضعیت خاص جسمانی و روانی، آماج طیف وسیعی از خشونت‌ها از جمله خشونت‌های جسمی، جنسی، روحی-عاطفی، اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرند که این خشونت‌ها توسط والدین یا مراقبان کودک، همسالان و هر فرد دیگری انجام می‌شود. زمانی که کودک از سوی والدین خود

مورد پرخاشگری قرار می‌گیرد خشونت خانگی رخ داده است. در طیف خشونت‌هایی که علیه کودکان واقع می‌شود، خشونت خانگی بیشترین میزان را به خود اختصاص می‌دهد. از موارد خشونت خانگی توسط پدر علیه فرزندش می‌توان به قتل رومینا و بابک خرم‌دین اشاره کرد در تمام این موارد چون یک پاسخ اجتماعی سرکوبگر و بازدارنده برای این موضوع نیست همین مسئله باعث شده که در سال‌های اخیر این موضوع افزایش پیدا کند. خشونت علاوه بر محیط خانواده در اجتماع هم توسط افراد دیگری رخ می‌دهد. با وجود اینکه خشونت علیه کودکان، طیف وسیعی از رفتارهای آسیب‌رسان را شامل می‌گردد اما باید گفت که تمامی این رفتارها حول پنج محور خشونت‌های جنسی، روانی، جسمی، اقتصادی و اجتماعی می‌گردد.

۱-۲- خشونت جسمی:

خشونت جسمانی شامل فعل آگاهانه و ارادی مرتکب به قصد آسیب، صدمه جسمانی و ایجاد درد جسمانی بر قربانی است. مصادیق این خشونت از ضرب و جرح ساده تا قطع عضو و قتل کودک را در بر می‌گیرد.

۲-۲- خشونت جنسی:

آزار جنسی یکی از بدترین انواع خشونت علیه کودکان است که کودک را به پذیرش رابطه جنسی وادار می‌کند. که بیشتر توسط افراد خانواده و نزدیکان و آشنایان و به ندرت توسط افراد بیگانه صورت می‌پذیرد. منظور از خشونت جنسی علیه کودکان، درگیر نمودن کودک در فعالیت‌هایی است که برای ارضاء جنسی افراد بزرگسال رخ می‌دهد و شامل به کارگیری یا واداشتن کودک به هرگونه رفتار جنسی است.

۳-۲- خشونت روانی - عاطفی:

رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می‌گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او می‌گردد در زمره خشونت روانی قرار می‌گیرد. این خشونت‌ها شامل تحقیر کردن، تهدید کردن، ترساندن، تبعیض گذاشتن، یا دیگر آسیب‌های غیر جسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض‌آمیز می‌شود.

۴-۲- خشونت اقتصادی:

این نوع خشونت شامل به کارگیری غیرقانونی کودک و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت کودک و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد؛ و یا معامله، خرید و فروش یا هرگونه اقدام غیرقانونی که به موجب آن کودک یا نوجوان در ازای پرداخت وجه یا امتیاز و سایر موارد در اختیار دیگری قرار می‌گیرد.

۵-۲- خشونت اجتماعی:

هرگونه رفتار معرض به حقوق و آزادی اجتماعی کودکان و نوجوانان در سطوح ملی اجتماعی به گونه‌ای که باعث ایجاد آسیب به رشد، سلامت و امنیت اجتماعی آنان شود. این خشونت‌ها شامل محروم کردن کودکان از تحصیل و آموزش،

اخراج کودکان از محیط خانواده از سوی والدین، اجبار و یا تحریک کردن کودکان و نوجوانان به مصرف یا قاچاق مشروبات الکلی یا مواد مخدر، ولگردی و گذراندن وقت در خیابان است.

۳- ابعاد فقهی و حقوقی مولفه های پیشگیری از اعمال خشونت علیه کودکان و نوجوانان

در طول حیات بشر خشونت وسیله ادامه حیات و بنای گروه های مختلف اجتماعی و برتری آنها بر یکدیگر میباشد خشونت اشکال مختلفی را شامل می شود و یکی از بارزترین و مهمترین آن خشونت علیه کودکان و نوجوانان است که قدمتی معادل تاریخ نشر دارد. خشونت علیه کودکان اگرچه پدیده فردی به نظر می رسد اما با توجه به پیامدهای مجرب آن که در نظم و سلامت جامعه اشفتگی به وجود می آورد و منشاء بسیاری از رفتارهای انحرافی همچون خودکشی قرار از خانه، رفتارهای بزهکارانه و غیره می باشد که این معضل را باید بسیار جدی به شمار آورد. مسئله خشونت علیه کودکان و نوجوانان یکی از مهم ترین و شایع ترین مصادیق نقض آشکار حقوق بشر می باشد. اهمیت توجه به صدمات مادی و معنوی وارده به کودک در تعریف سازمان بهداشت. جهانی از کودک آزاری نمایان است. بر اساس آن کودک آزاری عبارت است از آسیب با تهدید سلامت جسم و روان سعادت رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین با افرادی که نسبت به او مسئول هستند و در چهار مقونه غفلت یا بی توجهی خشونت جسمی، خشونت جنسی و خشونت روانی مورد بررسی قرار میگیرد. خشونت علیه کودکان و نوجوانان نه تنها آزار جسمی به انحای مختلف را شامل می شود بلکه آزارهای روحی روانی کودک و آنچه موجب تضییع حقوق او شود را نیز در بر می گیرد رشد فزاینده اشکال مختلف خشونت علیه کودکان و نوجوانان موضوعی است که به اشکال مختلف جامعه را تحت تاثیر قرار میدهد. این در حالی است که تعالی و پیشرفت جامعه مرهون توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان می باشد بنابراین با توجه به اهمیت نقش و جایگاه کودکان و نوجوانان که اشخاص بزرگسال آینده میباشند. باید به طور جدی با عملکردهای مغرب علیه آنان مقابله نمود با توجه به شیوع خشونت و گزارش های تکان دهنده ای که درباره خشونت علیه کودکان و نوجوانان دره مطبوعات و رسانه های گروهی منعکس می. شود. خشونت : علیه کودکان و نوجوانان در عرصه جهانی و داخلی به ! اشکال مختلفی صورت می پذیرد از جمله خشونت از طرف پدر و مادر ناپدری و نامادری خشونت جنسی به کار واداشتی و استثمار کودکان و نوجوانان و بروز می نماید در این بین موثرترین شیوه برخورد با پدیده خشونت علیه : کودکان و نوجوانان وضع قوانین و پیش بینی ضمانت اجرای منسجم در جهت پیشگیری از این . پدیده و کاهش درصد موارد آن می باشد(قدیری، ۱۳۱۹) با توجه به اینکه میزان خشونت علیه کودکان آمار بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است و تنوع گسترده ای از خشونت در جمعیت کودکان ایران وجود دارد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۴) افعال خشونت آمیز علیه کودکان توسط بزرگسالان به ویژه والدین که تا حدودی دال بر عدم آگاهی از شیوه ی تادیب و عدم درک صحیح از میزان توانایی ظرفیت و شخصیت حقیقی کودک است به گونه های مختلف در حال افزایش می باشد. این یافته ها میتواند در کشف راه حلهایی برای پیشگیری از این پدیده ی مذموم راهگشا باشد. کودکان به لحاظ ویژگیهای خاص جسمی و روانی که دارا می باشند در محیط های مختلف زندگی و و در مواجهه با رویدادهای اطراف خود محتاج حمایتهای ویژه و خاصی می باشند. برخی از این حمایتها گلی بوده و دولت بر اساس تعهداتی که به ملت داره ملزم است با تمام امکانات خود سعی در تحقق خواستههای حمایتی این قشر آسیب پذیر نماید. (اسحاقی، ۱۳۸۹: ۲)

بنابراین در پژوهش حاضر در پی بیان و مطالعه تطبیقی حقوق کودک در قوانین ملی و کنوانسیون حقوق کودک با تاکید بر خشونت خانگی می پردازیم و بر لزوم رعایت حقوق کودک از سوی دولت ها در سطح داخلی و بین المللی و لزوم

فرهنگ سازی این مهم در نظم آموزشی و فرهنگی کشورها و در میان خانواده‌ها و کودکان تاکید می‌نمایم چرا که ضرورت تدوین و تست‌نظام جامع حقوق کودک و فرهنگ حقوق کودک و سازمان ملی حمایت از حقوق کودکان باید بیان و بررسی گردد.

در کشور ما علیرغم وجود مقرراتی پراکنده در موضوع حمایت از کودکان تا پیش از تصویب قانون حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان در آذر ماه ۱۳۸۱ قوانین کیفی خاصی درباره کودک آزاری وجود بود. حتی در برخی مواد قانونی زمانی که بزه دیده طفل باشد. حمایت کیفی کمتری از وی مطرح شده است. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان گام مهم و متناسب با استاد بین‌المللی است که توانسته مباحث حوزه کودکان را پوشش بدهد، اما تقویت جنبه‌های حمایتی در این قانون نیز لازم است مورد توجه بیشتری قرار گیرد. در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در مواد متعدد به همکاری مراجع خدماتی، حقوقی روانشناسی مددکاری اجتماعی و جهت حمایت و پیشگیری از کودک آزاری اشاره شده است.

البته قانون‌گذار با توجه به نیازهای جامعه کم و بیش مقرراتی را در جهت پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان وضع نموده و اطفال و نوجوانان را در مقابل ارتکاب جرایم خاص علیه آن‌ها هر روز بیش از پیش مورد حمایت قرار داده است. اما بیشتر بر جرم‌انگاری و تعیین مجازات و نحوه مواجهه دستگاه قضایی با جرائم علیه کودکان متمرکز است و به جنبه حمایتی و اجتماعی خشونت علیه کودکان و نوجوانان وارد نشده است. یکی دیگر از خلاءهای قانونی موجود عدم اشاره و توجه به سازمانهای مردم‌نهاد در جهت کاهش خشونت علیه کودکان است که البته می‌تواند نقش بسزایی در این راستا داشته باشند. همچنین واقعیت‌های اجتماعی و جرایم ارتكابی موجود نشان می‌دهد برای کاهش خشونت علیه اطفال و نوجوانان اتخاذ سیاست‌های پیشگیرانه و کنشی کوتاه مدت و بلند مدت در کنار قوانین حمایتی و تدابیر واکنشی ضروری است. چرا که بسیاری از موارد خشونت علیه اطفال و نوجوانان دارای علل روان‌شناختی است و تنها اعمال مجازات راهگشایی امر نخواهد بود. (آبادی ۱۳۹۸: ۱)

در استاد بین‌المللی خشونت علیه کودکان و نوجوان با الهام از ماده ۲۱ پیمان نامه حقوق کودک اینگونه تعریف شده است که «خشونت هر اقدام فیزیکی، جسمی یا روحی و روانی صدمه و آزار بی‌توجهی و رفتار ناشی از بی‌توجهی سود رفتار با سوء استفاده از جمله سوء استفاده جنسی است. سازمان بهداشت جهانی نیز کودک آزاری را استفاده عمدی از قدرت با نیروی فیزیکی تهدید و یا استفاده واقعی از نیروی فیزیکی علیه کودک توسط یک فرد یا گروه که یا به صورت عملی به سلامتی حیات رشد و همچنین عزت نفس کودک به صورت بالفعل و یا بالقوه صدمه بزند و یا احتمال ایجاد صدمات بعدی را افزایش دهد میدانند.

با تصویب قوانین جدید سیاست جنایی ایران در قبال نقض حقوق کودکان دچار تحولاتی گردیده است. اما مطالعات تطبیقی در خصوص خشونت علیه کودکان و نوجوانان نشان می‌دهد که قوانین داخلی بازدارندگی لازم را در خصوص عدم خشونت علیه کودکان و نوجوانان ندارد اما میتوان با تبیین بررسی و تصویب استاد بین‌المللی از رهگذر اصلاح قوانین موجود و تصویب مقررات خاص برای حمایت از کودکان از جمله قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۱۹۹ سنگهای یک سیاست تقلینی همه‌جانبه را در این خصوص تشکیل داد در مجموع با توجه به اینکه رویکرد و روند قانونگذاری ایران به حقوق کودکان و نوجوانان پس از انقلاب اسلامی پرنرنگتر گردیده است. اما به نظر میرسد در وضعیت

موجود نظام قانونی و قضایی کشور مواجه با کاستی‌ها و خلاهای زیادی در این زمینه می‌باشد و نیازمند اصلاح و تغییر رویکردها و دیدگاهها از سوی مراجع ذیصلاح و ارائه پیشنهاداتی منسجم با تکیه بر استاد بین‌المللی برای رفع خلاهای قانونی موجود می‌باشیم.

بنابر بند ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک، تولد کودک باید بلافاصله پس از به دنیا آمدن او ثبت شود. اگر چه ثبت تولد تضمینی برای آموزش، بهداشت و حمایت نیست اما عدم آن، زمینه را برای تحمیل انواع تبعیض‌ها و سوء رفتارها علیه کودکانی که تولدشان به ثبت نرسیده است ایجاد می‌کند. در بند ۵ ماده ۵۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز الزام ثبت تولد کودکان تأکید شده است. ثبت تولد کودک علاوه بر اینکه اولین نشانه پذیرش قانونی وجود یک کودک است، پایه و اساس تحقق شماری از حقوق از جمله دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی، ثبت نام کودک در مدرسه در سن مناسب، اجرای قوانین مربوط به حداقل سن اشتغال، مقابله موثر با ازدواج اجباری دختران قبل رسیدن به سن قانونی، تضمین حق تابعیت کودک و ... می‌باشد. کودکانی که تولدشان ثبت نشده است، هویت و ملیتشان انکار می‌گردد، و از برخورداری از حمایت قانون ذکر شده در ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک بهره‌مند نمی‌گردند و ممکن است مورد بی‌توجهی حمایت‌های مقامات مربوطه قرار گیرند. به عبارتی ثبت تولد نوزادان یک ۵ پیش شرط بسیار مهم برای برخورداری از حق حیات و پرورش و پیشرفت کودکان می‌باشد. بنابراین اهمال والدین در به ثبت رساندن تولد فرزندانشان می‌تواند زمینه‌ساز انواع خشونت‌ها علیه آن‌ها گردد. (خلف‌خانی، ۱۳۹۹)

خشونت علیه کودکان و نوجوانان، مشکلی جهانی و چندوجهی است که پیامدهای مخربی بر سلامت جسمی و روانی، رفاه عاطفی و رشد اجتماعی آنها دارد. این خشونت می‌تواند اشکال مختلفی مانند جسمی، عاطفی، جنسی و غفلت داشته باشد و در هر نقطه از جهان و در هر سطحی از جامعه رخ دهد. در حالی که بسیاری از کشورها قوانینی برای محافظت از کودکان در برابر خشونت دارند، اما هنوز هم خلاءهای قانونی قابل توجهی در سطح ملی در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی وجود دارد. این خلاءها می‌تواند کودکان را در معرض خطر بیشتری برای آسیب قرار دهد و تلاش‌ها برای پیشگیری از خشونت و پاسخگویی به آن را دشوارتر کند. برخی از خلاءهای قانونی رایج در سطح ملی عبارتند از بسیاری از قوانین ملی تعریفی از خشونت علیه کودکان ارائه نمی‌دهند که با استانداردهای بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک مطابقت داشته باشد. این امر می‌تواند منجر به عدم گزارش و پیگرد قانونی سوء استفاده شود، زیرا ممکن است مشخص نباشد که چه رفتاری به عنوان خشونت تلقی می‌شود. برخی از قوانین ملی ممکن است قوانین کافی برای محافظت از کودکان در برابر اشکال خاص خشونت، مانند خشونت جنسی، سوء استفاده عاطفی یا غفلت را نداشته باشند. این امر می‌تواند کودکان را در معرض خطر بیشتری برای این نوع سوء استفاده قرار دهد. برخی از قوانین ملی ممکن است محدودیت‌هایی برای گزارش دهی و پیگرد قانونی خشونت علیه کودکان ایجاد کند. این امر می‌تواند برای قربانیان دشوارتر کند تا از سوء استفاده خود گزارش دهند و عاملان را به دست عدالت بسپارند. برخی از قوانین ملی ممکن است حمایت کافی از قربانیان خشونت علیه کودکان را فراهم نکنند. این امر می‌تواند شامل عدم دسترسی به خدمات ضروری مانند مشاوره، مراقبت‌های پزشکی و پناهگاه باشد. در بسیاری از کشورها، منابع کافی برای اجرای قوانین موجود برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از قربانیان وجود ندارد. این امر می‌تواند شامل کمبود پرسنل آموزش دیده در سیستم‌های عدالت کیفری و خدمات اجتماعی باشد. ممکن است هماهنگی ضعیفی بین agencies مختلفی که در زمینه پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از قربانیان نقش دارند، وجود داشته باشد. این امر می‌تواند منجر به

ارائه خدمات ناهماهنگ و ناکارآمد شود. (تبریزی، ۱۳۹۸) برای رسیدگی به خلاء های قانونی موجود در سطح ملی و تقویت چارچوب های قانونی برای حمایت از کودکان، تطبیق قوانین ملی با استانداردهای بین المللی مانند کنوانسیون حقوق کودک ضروری است. این کنوانسیون که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، مجموعه ای از حقوق اساسی را برای کودکان در سراسر جهان ترسیم می کند، از جمله حق بر سلامت، آموزش، بازی و محافظت در برابر خشونت. تطبیق قوانین ملی با کنوانسیون حقوق کودک تضمین می کند که کودکان در همه کشورها از سطح پایه ای از حمایت در برابر خشونت برخوردار باشند. این امر همچنین به ترویج رویکردی منسجم تر و هماهنگ تر برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان در سطح جهانی کمک می کند. علاوه بر تطبیق قوانین ملی با استانداردهای بین المللی، اقدامات دیگری نیز می توان برای رسیدگی به خلاء های قانونی موجود در سطح ملی و بین المللی انجام داد، از جمله باید به agencies مسئول پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از قربانیان، از جمله سیستم های عدالت کیفری، خدمات اجتماعی و ارائه دهندگان خدمات بهداشتی، منابع و آموزش کافی برای انجام وظایف خود به طور موثر ارائه شود. هماهنگی بین agencies مختلف باید از طریق ایجاد مکانیسم های اشتراک گذاری اطلاعات و همکاری های بین بخشی تقویت شود. باید کمیته های آگاهی عمومی برای افزایش آگاهی از خشونت علیه کودکان، از جمله علائم، پیامدها و نحوه گزارش سوء استفاده، انجام شود. باید آموزش هایی برای متخصصان مانند کارکنان مراقبت های بهداشتی، معلمان، مددکاران اجتماعی و افسران پلیس در مورد نحوه شناسایی، گزارش و پاسخ به خشونت علیه کودکان ارائه شود. باید خدمات جامع و حمایتی به قربانیان خشونت علیه کودکان، از جمله مشاوره، مراقبت های پزشکی، پناهگاه و خدمات حقوقی ارائه شود. باید برنامه های توانبخشی برای کمک به قربانیان در بهبودی از تجربیات آسیب بار خود ارائه شود. باید برنامه هایی برای ترویج نگرش های مثبت نسبت به کودکان و احترام به حقوق آنها در جامعه اجرا شود. باید اقداماتی برای مقابله با هنجارها و باورهایی که خشونت علیه کودکان را توجیه می کنند، انجام شود. باید همکاری های بین المللی برای به اشتراک گذاشتن بهترین شیوه ها و حمایت از ابتکارات پیشگیرانه در سطح ملی تقویت شود. باید از منابع و تخصص بین المللی برای حمایت از کودکان استفاده شود. سازمان های بین المللی مانند یونیسف، سازمان بهداشت جهانی و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد نقش مهمی در حمایت از تلاش های ملی برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان دارند. (نیلوفری، ۱۴۰۰) این سازمان ها می توانند از طریق ارائه منابع، تخصص و رهبری به کشورها در تقویت چارچوب های قانونی خود، افزایش آگاهی و آموزش، حمایت از قربانیان و ترویج نگرش های مثبت کمک کنند. جامعه مدنی نیز نقش مهمی در پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان ایفا می کند. سازمان های غیردولتی (سمن ها) می توانند از طریق ارائه خدمات مستقیم به قربانیان، انجام تحقیقات و وکالت برای تغییر، و افزایش آگاهی عمومی در مورد این موضوع، به تلاش های پیشگیرانه کمک کنند. فناوری می تواند ابزاری قدرتمند برای پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان باشد. می توان از برنامه های تلفن همراه برای ارائه اطلاعات و منابع به قربانیان و شاهدان سوء استفاده، از پلتفرم های رسانه های اجتماعی برای افزایش آگاهی عمومی و از ابزارهای تحلیلی برای شناسایی و ردیابی الگوهای خشونت استفاده کرد.

خانواده و جایگاه آن در نظام‌های داخلی کشورها اهمیت ویژه‌ای دارد و حقوق کودک زیرمجموعه حقوق خانواده به شمار می‌رود. حقوق کودک در محیط خانواده نمود عینی می‌یابد. در این رابطه بررسی حوزه صلاحیت دولت‌ها درباره حقوق خانواده و کودک نیز اهمیت بسزایی دارد. حقوق کودک به واسطه ارتباط نزدیک با مصادیق حقوق بنیادین بشر دارای وصف امره است. در نتیجه دولت‌ها در رویه و مقررات داخلی خود نمی‌توانند از مصادیق مزبور عدول کنند. این قانون در احراز منافع و مصالح کودکان و نوجوانان با اسناد بین‌المللی تا چه حدی انطباق دارد؟ همچنین بیان می‌دارد با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، اقدامات حمایتی، ایجاد ضمانت اجرای کیفری در مورد کوتاهی مراقبان و والدین اطفال و نوجوانان در انجام وظایف خود، تخصصی کردن بخش‌هایی از رسیدگی به جرایم علیه اطفال و... مقرراتی وضع شده و مطالعه تطبیقی میان دو سند بیانگر آن است که قانون جدید در بسیاری از جنبه‌ها پوشش مناسبی نسبت به تعهدات ناشی از کنوانسیون حقوق کودک ارائه می‌دهد. کنوانسیون نقش مؤثری در دفاع از حقوق کودکان داشته؛ اما در حوزه‌هایی مثل ضعف در هماهنگی ساختاری، ضمانت اجرایی، مبانی نظری و تعاریف و بازدارنده نبودن مجازات‌های اعلامی دارای نقایصی است.

فهرست منابع

منابع فارسی

کتاب

۱. ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم‌بیگی (۱۳۹۳)، دانشنامه جرم‌شناسی؛ ج ۳، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، چ ۳۲، نشر میزان، تهران.

مقالات

۳. آذربایجانی، مسعود؛ "نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک"؛ مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱، ۱۳۸۱.
۴. بیگی، جمال؛ «راهبردنگاری قانونی برای کودکان و نوجوانان در سیاست‌گذاری آموزشی»؛ فصلنامه سیاست‌نامه علم و فناوری، دوره ۹، ش ۴، ۱۳۹۸، ص ۳۱-۴۶.
۵. پورقهرمانی، بابک؛ «نگاهی به کنوانسیون حقوق کودک و مباحثی پیرامون آن»؛ رواق اندیشه، ش ۲۸، ۱۳۸۳، ص ۶۷-۸۴.
۶. پتفت، آرین؛ «حمایت از کودکان در برابر خشونت در بافتار اسناد بین‌المللی»؛ فصلنامه حقوق کودک، س ۲، ش ۸، ۱۳۹۹، ص ۴۷-۷۹.
۷. تقی‌زاده زانوقی؛ «نوآوری‌های ماهوی و شکلی قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان»؛ فصلنامه فقه و حقوق نوین، دوره ۱، ش ۳، ۱۳۹۹، ص ۱-۲۷.
۸. جعفری، افشین و اسماعیل‌پور، حیدر؛ «مبانی فلسفی و حقوقی دوره کودکی و نوجوانی از منظر نظام حقوقی اسلام و کنوانسیون حقوق کودک»؛ فصلنامه حقوق پزشکی، ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۶-۱۳۸.
۹. حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن؛ «پیشگیری وضعی از بزه‌دیدگی کودکان در معرض خطر در ایران با تأکید بر قوانین و مقررات انگلستان»؛ فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات پیشگیری از جرم، س ۵، ش ۱۷، ۱۳۸۹، ص ۹۵-۱۰۵.

۱۰. حبیبی، سمیرا و مریم گوهری مقدم؛ «پیشگیری از کودک‌آزاری و درمان آن»؛ فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره ۳، ش ۲، ۱۳۹۶، ص ۹۵-۱۰۵.
۱۱. حسنی، محمدرضا و عیسی عابدینی و ابراهیم ابراهیمی و کمال کوهی؛ «عوامل و ریشه‌های تنبیه بدنی کودکان در محیط خانواده و راهکارهای مقابله با آن»؛ حقوق بشر، ج ۶، ش ۲، ۱۳۹۰، ص ۵۷-۷۲.
۱۲. حبیبی، تهمینه؛ «نقدی بر کنوانسیون حقوق کودک»؛ مطالعات راهبردی زنان، ش ۱۶، ۱۳۸۱.
۱۳. رضوانی، سودابه و مریم غنی‌زاده بافقی؛ «خانه‌های امن به مثابه درمانگاه زنان خشونت‌دیده خانگی»؛ مجله حقوقی دادگستری، دوره ۸۳، ش ۱۰۶، ۱۳۹۸، ص ۱۴۳-۱۶۷.